

واژه های مهم

مظلوم: ستم دیده	نهضت: جنبش، حرکت
سلام الله علیها: درود خدا بر او	تظاهرات: راه پیمایی
اخلاق: جمع خُلق، رفتار و عادات پسندیده	اعتراض: مخالفت
کوره راه: راه باریک و دشوار	تبعید: دور کردن
مزدور: کسی که برای پول هرکاری می کند، سر سپرده	طرز: شیوه، روش
خان: حاکم	تألیف: نوشتن
ختم: پایان	اعتصاب: دست از کار کشیدن
حوزه علمیه: مدرسه علوم دینی	مرجعیت: رهبری دینی
مرموز: رازدار، پوشیده	
استعمارگر: وقتی کشوری قوی، یک کشور ضعیف را به بهانه ی آباد کردن، اشغال می کند.	

🌟 از پا درآمدن: ← کنایه از نابود شدن

دانش زبانی: مصدر

مصدر: اسمی است که همیشه با حرف « ن » خاتمه می یابد. مصدر، ریشه اصلی فعل است که آخر آن همیشه « ن » می آید.

مثال:

رفتن، خوردن، گرفتن، بردن، آمدن، شنیدن، خواندن، ساختن و..... به این کلمات که آخر آنها حرف « ن » هست، مصدر می گویند.

دانش زبانی: بُن فعل ماضی

بن فعل ماضی: برای به دست آوردن بن فعل ماضی، ابتدا فعل را به مصدر تبدیل می‌کنیم سپس حرف «ن» را از آخر فعل حذف می‌کنیم.

مثال:

خواندیم ← تبدیل به مصدر: خواندن ← حذف حرف «ن»: خواند ← بن فعل: خواند

نوشته‌اند ← تبدیل به مصدر: نوشتن ← حذف حرف «ن»: نوشت ← بن فعل: نوشت

بُن فعل: زمان گذشته «ماضی» (رسید)	
رسیدم	رسیدیم
رسیدی	رسیدید
رسید	رسیدند